



آنقدر نسبت به شخصیت شناخت داشته باشد و به او نزدیک باشد و آنقدر به اندیشه کارگردان نزدیک باشد که همه این کارها را درست انجام بدهد نه از سر رفع تکلیف و این که امروز هم ضبط را تمام کنیم و برویم خانه! من در زمان فیلمبرداری هر زمان که سناریو به دستم می‌رسید، یک‌بار خودم یادداشت‌های خودم را می‌نوشتم و با آن چیزهایی که خودم لحاظ کرده بودم باز هم یک‌بار دیگر سکانس‌ها را می‌خواندم. متأسفانه خیلی از بازیگران ما خودشان را تکرار می‌کنند و فقط اسمشان فیلم به فیلم عوض می‌شود. بدتر از آن هم این است که گروهی باهم از این فیلم به آن فیلم می‌روند که من مقصر اصلی این اتفاق را تهیه‌کننده‌ها می‌دانم. شما ببینید تهیه‌کننده حرفه‌ای چه کار می‌کند؟ کاری می‌کند که فیلمش را تا سال‌های بعد تماشا کنید و لذت ببرید. فیلم‌های نسل من از این جنس هستند.

سریال «نهنگ آبی» به جهت روایت، فرمی پیچیده‌ای دارد، روی هوش مخاطب خیلی حساب باز می‌کند، این پیچیدگی در نوع روایت به نظر شما چقدر دایره مخاطبان این سریال را محدود کرده است؟

اگر اشتباه نکنم فریدون جیرانی برای اولین بار است که سریال نمایش خانگی کار می‌کند و برای اولین بار از نوشته شخص دیگری استفاده می‌کند. نویسنده، تهیه‌کننده و کارگردان به سمت سوزهای رفتند که خیلی نو هست. ایده در ارتباط با تکنولوژی است که مردم ما کمتر با این جنس تکنولوژی آشنا هستند و به همین دلیل شاید مخاطب خیلی روی خوشی برای تماشای چنین داستانی نشان ندهد، اما تا جایی که من اطلاع دارم مخاطبان این سریال تا قسمت ۴-۳ دچار یک گنگی و ابهام بودند و سئوالات متفاوتی برایشان پیش می‌آمد اما با تماشای قسمت چهارم به بعد مخاطبان وارد داستانی می‌شوند که این قصه خیلی نو هست و خودشان هم به واسطه این سریال با یک تکنولوژی آشنا می‌شوند که در هزاره سوم هر کسی باید بداند. باید با کاربرد این صنعت آشنا شوند و خیلی‌ها وقتی این کار را دیدند به این

مسائلی که برایش پیش آمده بود، نگران خودش نبود و از اتفاقاتی که در جریان زندگی اش افتاده، زندانی که رفته، جدایی که برایش اتفاق افتاده و... ناراحت است. با این که می‌داند همسر سابقش قرار است با شخص دیگری از دواج کند و نشانه‌های این چنینی می‌بیند اما هیچ موقع نمی‌گوید بر گردد و فقط نگران این بود که باز دوباره اشتباهی نکند که مشکلی برایش پیش بیاید.



به‌طور کلی در آثار فریدون جیرانی چالش‌هایی برای شخصیت «مشرقی» دیده می‌شود و قطع به یقین دور و بر شخصیت «مشرقی» آدم‌هایی هستند که درگیر مسائلی هستند که از فرهنگ شرقی می‌آید و با چالش‌های جامعه در ارتباط هستند، در خلق و خوی این آدم‌ها و در برخورد با این شخصیت‌ها، خلق و خوی شرقی و انسانی دیده می‌شود. این افراد متعهد هستند و دلشان برای آدم‌های دیگر می‌تپد

پاسخ را نگر فتم، بگذارید دقیق‌تر بپرسم که شما چه تحلیلی در خصوص بازیگران شخصیت «مشرقی» در آثار آقای جیرانی دارید و یک بازیگر در خدمت تیم چطور می‌تواند منویات یک کارگردان درباره یک شخصیت دوست‌داشتنی را درست اجرایی کند؟

فکر می‌کنم این بار سنگینی است که این بار را باید به دوش کشید و چیزی که وجود دارد این است که باید کارگردان خودش را به بازیگر نزدیک کند و جهانش را مستقیم جلوی چشمان بازیگر نگاه دارد تا بازیگر خودش را همراه او کند نه بیشتر و نه کمتر... اگر دقیقاً به اندازه با کارگردان و اندیشه‌اش پیش برود موفق می‌شود.

در «نهنگ آبی»، «احسان مشرقی» نویسنده‌ای است که در زندگی بالا و پایین‌های زیادی داشته، زندان رفته، خانوادگی را از دست داده و برایش چقدر خواستگاری افتاده؛ فریدون جیرانی چقدر خواستگاری کرده است که این فروپاشی شخصیت او را در بازی تبدیل به واکنش و اکت کند؟

حواسم به این بود که کسی که می‌خواهد «احسان مشرقی» را بازی کند نباید «بازی» کند باید واقعی باشد و زندگی کند. پس کسی که این نقش را ایفا می‌کند باید طبیعتاً درونی تر باشد، قابل باور باشد، واکنش‌هایش به اندازه باشد و اگر جره نباشد، باید

ببیند اما فیلمنامه‌ای که بهرام توکلی نوشت با هدایت جیرانی و خلق من باعث قابل پذیرش شدن و تغییر نظرات افرادی که به من انتقاد داشتند شد چرا که من افرادی را دیدم که گفتند ما بعد از «سگ کشی»، «جنگ نفتکش‌ها» و «مسافران» و... مجید مظفری را دوست نداشتیم! من وقتی کاری را می‌پذیرم خودم را کامل در اختیار گروه و نقش می‌گذارم. این هم نشأت گرفته از همکاری‌هایی است که در گذشته با بزرگان سینما مثل بهرام بیضایی و... داشتم و بعد از کار کردن با این بزرگان رفته‌رفته این عادت در من تنه‌سین شده که خودم را در اختیار گروه و کارگردان بگذارم.

جزو امضای آثار فریدون جیرانی؛ وجود کاراکتری با نام خانوادگی «مشرقی» است و فریدون جیرانی روی آن تعصب ویژه‌ای دارد. «احسان مشرقی» و پسرش «آرمین مشرقی» تنها مشرقی‌های کار هستند که یکی از آن‌ها به شما پیشنهاد شد. چقدر تحت تاثیر این انتخاب قرار گرفتید و در روند کار تیمی فقط با فیلمنامه پیش رفتید یا خودتان اضافاتی به آن داشتید؟

به‌طور کلی در آثار فریدون جیرانی چالش‌هایی برای شخصیت «مشرقی» دیده می‌شود و قطع به یقین دور و بر شخصیت «مشرقی» آدم‌هایی هستند که درگیر مسائلی هستند که از فرهنگ شرقی می‌آید و با چالش‌های جامعه در ارتباط هستند، در خلق و خوی این آدم‌ها و در برخورد با این شخصیت‌ها، خلق و خوی شرقی و انسانی دیده می‌شود. این افراد متعهد هستند و دلشان برای آدم‌های دیگر می‌تپد. یکی از ویژگی‌هایی که شخصیت «احسان مشرقی» داشت این بود که از دست هیچ‌کس ناراحت نمی‌شد، نه از دست زنش، نه از دست پسرش که این خلاف‌ها را انجام می‌داد و ناراحتی‌اش را بروز می‌داد اما اوقات عصبانی می‌شد، دیالوگ‌هایی داشت که معلوم بود از دستش ناراحت نیست بلکه نگران است و این ویژگی‌ها در شخصیت بود. حتی در ارتباط با زندگی گذشته و